

خاطرات عاشورایی

تألیف: منصور هرنجی

www.ketab.ir



سرشناسه: هرنجی، منصور، ۱۳۴۱.

عنوان و نام پدیدآور: خاطره‌های عاشورایی / تألیف منصور هرنجی.

مشخصات نشر: چالوس، کلام مسعود، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۱۰۵.

شابک: ۹-۶۴-۵۳۹۸-۶۰۰-۹۷۸ قیمت: ۷۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست‌نویسی: فیفا.

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: شهیدان ایرانی - مازندران - جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - بازماندگان

خاطرات

رده‌بندی کنگره: DSR ۱۶۲۸ / ۴ خ ۱۳۹۳

رده‌بندی دیویی: ۰۸۴۳/۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۳۶۲۵۲

خاطره‌های عاشورایی

نویسنده: منصور هرنجی

طراحی جلد: مهدی داداشپور

صفحه آرای: بهاره رضوانی

تایپ و تنظیم متن: رضا عرفانی

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۷۰۰۰۰ ریال

چاپ: اول: آبان ۱۳۹۳

این کتاب با حمایت اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان مازندران به چاپ رسیده است.

نشانی: چالوس، بلوار ۱۷ شهریور، نبش کوچه بنیاد شهید.

انتشارات کلام مسعود تلفن: ۰۱۱۵۲۲۲۱۰۸۸ و ۰۹۱۱۱۹۳۰۳۱۳

حق چاپ برای ناشر و مؤلف محفوظ است.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۸	پیش گفتار.....
۱۲	عظمت و بزرگی خانواده‌های شهدا.....
۱۶	فردا داماد می‌شوی.....
۱۷	غروب خونین تاسوعا.....
۱۹	چای یادگاری.....
۲۱	صدای نفس فرمانده.....
۲۵	سیگاری ۵ تومانی.....
۲۶	نفر اول شد.....
۲۷	درباری کجاست؟.....
۲۸	همراهی در آخرین سفر.....
۳۸	یک بابیش باقی ماند.....
۳۸	این یادگاری باشد.....
۳۰	من به سید ملحق شدم.....
۳۰	شهردار شهید.....
۳۲	گنج پای خود را شکست.....
۳۳	دوستی یک ساعته.....
۳۴	یا شهادت یا آزاد کردن برادرت.....
۳۴	همان خود کار.....
۳۵	می‌دانست شهید می‌شود.....
۳۶	شهادت بعد از خوردن شربت.....
۳۷	سردار شهید نجفی از زبان خاطره‌ها.....
۳۷	۱- امداد الهی.....
۳۷	۲- فعالیت خود را بیان نمی‌کرد.....
۳۸	۳- شهید واسطه شد.....
۳۸	می‌خواست من استراحت کنم.....
۳۹	۵- نماز شب می‌خواند.....
۳۹	۶- آن روز فرق داشت.....
۳۹	۷- گفت ما لیاقت شهادت نداریم.....

- ۴۰..... به مشهد نمی آیم
 ۴۱..... شهادت یک قطع نخاعی در اردوگاه
 ۴۲..... چرا داداش نمی خوابد
 ۴۴..... این قیر من است
 ۴۴..... فرشته ها در پشت خاکریز
 ۴۵..... تیر خلاص زدند
 ۴۷..... عاشق وصال
 ۴۸..... عشق به امام
 ۴۹..... رهایی از قفس تنگ دنیا
 ۵۲..... با عملش سخن می گفت
 ۵۳..... موفقیت با تأملی از فرهنگ عاشورا
 ۵۵..... گنج دست خود را شکست
 ۵۸..... فرق نالیدن حمید
 ۵۹..... ممتاز و نفر اول شد
 ۶۲..... نصب بلندگو در میدان مین
 ۶۵..... لبخند علیرضا
 ۶۶..... گفتگوی صمیمانه
 ۶۷..... خاطره های عاشورایی
 ۷۱..... مثل کوه أخذ
 ۷۶..... علمدار کربلای ۴
 ۷۷..... فقط یک انگشت
 ۷۸..... ۱۸ گلوله در تنش
 ۷۹..... به نزدیکم نیا
 ۸۰..... اسیر نشو
 ۸۱..... یوسه بر پای من و مادرش
 ۸۳..... تعجب همگان
 ۸۳..... تا وقت شهادت به کسی نگو
 ۸۴..... علت قرمزی چشمانش
 ۸۴..... دستور نافله شب
 ۸۵..... سوختن چادرم

۸۶.....	پیکر قنّاق شدہ.....
۸۷.....	بہ عشق حوریان نمی روم.....
۸۹.....	دعای جوشن کبیر.....
۹۲.....	لذّت می بردم.....
۹۳.....	نفوذی دشمن.....
۹۵.....	سنگر اور ژانسی.....
۹۸.....	سخن بگو.....
۹۹.....	وسوسہ نفس.....
۱۰۳.....	شب پر محتوا.....
۱۰۵.....	فہرست منابع.....

عالم همه خاک کربلا بایدمان
پیوسته به لب خدا خدا بایدمان
تا پاک شود زمین ز ابتای یزید
همواره حسین (ع) مقتدا بایدمان^۱

حماسه‌ی کربلا چشمه‌ای است که می‌جوشد و هر عصر و نسلی به اندازه‌ی توان و ظرفیت خود از آن بهره می‌گیرد. این حادثه در سال ۶۱ هـ. ق. در خاک کربلا اتفاق افتاد که جهان اسلام را تکان داد و تحول عظیمی در مسلمانان ایجاد نمود و آثار گرانباری از خود برجای گذاشت؛ نه تنها سیر تاریخ شیعه و اسلام، بلکه تاریخ بشریت را تغییر داد.

«امام حسین (ع) بر همه‌ی انسان‌های پس از خود حق دارد و همه مرهون و مدیون اویند؛ زیرا اگر امام حسین (ع) نبود عاشورا نبود، و اگر عاشورا نبود اسلام نمی‌ماند، و اگر اسلام نمانده بود تمدن اسلامی پدید نمی‌آمد تا مایه‌ی اصلی تمدن‌ها و پیشرفت‌های بعدی و ظهور رنسانس در غرب بشود، و در آن صورت این تمدن کنونی وجود نداشت.»^۲

این حماسه‌ی جاودانه چون مشعلی فرا راه تاریخ اسلام درخشیده و موجب بیداری مسلمانان و الهام بخش همه‌ی نهضت‌های رهایی‌بخش اسلامی بود؛ و مذهب شیعه بعد از این حادثه به صورت منسجم مسیر تکاملی خود را ادامه داد؛ و مسلمانان دریافته‌اند که اسلام حقیقی و ناب در خاندان پیامبر اکرم (ص) است.

۱ - شعر از سید حسن حسینی.

۲ - حکیمی، محمدرضا، قیام جاودانه ص ۷۲.

«عاشورا، با شوری که پیا کرد، و شعوری که گسترده، و خروشی که درانداخت، و تحوّل‌ی که آفرید، و آتشی که در ازواج افکند، و تحرکی که به جان‌ها بخشید، و بیداری‌ای که در ملت اسلام ایجاد کرد، و حرکتی که به آبادی‌ها و امت اسلام داد، و تأثیر عمیق و تکان دهنده‌ای که در غیر مسلمان نیز گذاشت، و انقلاب‌هایی که پدید آورد، اسلام را بیمه کرد، و قرآن را برای بشریت نگاه داشت، و تداوم تاریخ اسلام را تضمین نمود، و بدین سان قرآن محفوظ ماند و اسلام تداوم یافت»^۱

بدون شک، محتوای آن حماسه‌ی شورآفرین، انگیزه‌ها، اهداف و درس‌هایش یک فرهنگ غنی و ناب و الهام‌بخش را تشکیل می‌دهد و در حوزه‌ی وسیع تشیع و دلباختگان اهل بیت (ع) همواره با این فرهنگ زیسته، رشد کرده و به آن جان و دل باخته‌اند.

شبهات‌ها و همراهی‌های فراوانی بین انقلاب اسلامی و دوران ۸ ساله‌ی دفاع بزرگ مقدس با انقلاب عاشورا وجود دارد که این دو حماسه‌ی بزرگ را به هم پیوند می‌زند. شاید بتوان اظهار کرد که در طول قرن‌ها مبارزه‌ی شیعه، هیچ حرکت و نهضتی مثل انقلاب اسلامی و کمتر صحنه‌هایی همچون صحنه‌های دفاع مقدس، شبیه انقلاب عاشورا و کربلای حسینی نیست.

هزاران نشانه در جبهه‌های ۸ سال دفاع مقدس وجود دارد که امروز را به دیروز عاشورا پیوند می‌زند و بوی کربلا را به شامه‌ها می‌رساند. ژرف‌نگری و توجه در شعارها، وصیت‌نامه‌ها، نام

عملیات‌ها، شب‌های عملیات، رمز عملیات، نامه‌ها، مزار و نوشته‌ها، سخنان رهبر و امام رزمندگان، خانواده‌های شهیدان، خاطرات، تابلو نوشته‌ها و همه‌ی مظاهر و جلوه‌های جبهه‌ها، نشان می‌دهد که می‌توان پیوند شگفت و قابل ملاحظه میان این دو قطعه‌ی تاریخی یافت. همه‌ی این مشترکات بیانگر نمایندگی و تأثیرگذاری و حیات فرهنگ عاشورا و نشانه‌ی سلامت، عظمت، ارجمندی و قداست سال‌های دفاع مقدس و انقلاب عاشورایی ماست.

درون مایه‌ی انقلاب اسلامی ما مُلهم و متأثر از فرهنگ عاشوراست؛ چون شهادت شهیدان ما نیز در زلال کربلا ریشه دارد. گویی خونی که در روز عاشورا بر خاک کربلا چکید، در رگ‌های رزمندگان جاری بود که در جبهه، سنگر به سنگر، بی‌پروا، شوریده و عاشق می‌جنگیدند و زخم شهادت و اسارت و جراحت را به جان می‌خریدند تا نشر دهنده‌ی این فرهنگ جاودانه باشند.^۱

اما مجموعه‌ی «خاطره‌های عاشورایی» خاطرات در انتظار نشستگان ملکوت و از سرزمین لاله‌خیز مازندران است که از حرف‌ها و قلم‌های‌شان زمزمه‌های عاشقانه‌ی ریخت که هر کسی را به یاد خاطرات عاشورای امام حسین (ع) می‌اندازد. خاطرات پر رمز و راز سینه‌سُرخان عاشقی است که زینت‌بخش ورق پاره‌های این بنده‌ی ناچیز شدند تا با نقل واگویه‌های آنان گرانبهاترین میراث فرهنگی و معنوی آیندگان باشد.

«خاطره‌های عاشورایی» خاطرات عاشقان حسین (ع) بوده که
با شنیدن ندای «با نوای کاروان» طاقت‌شان طاق شد و با شعار

«برای فتح کربلا، پیش به سوی جبهه‌ها» سر از پا نشناخته و عزم
دیوار یار کردند تا هر چه سریع‌تر به ملاقات مقتدای‌شان حسین (ع)
برسند.

آری این مجموعه روایت راویان عشق و ایشار از استان
مازندران است که توسط ایشارگران پاک‌باخته به نگارش درآمده و
تقدیم حضورتان می‌گردد و امید است مفید حال باشد.
در این جا جا دارد از همکاری و مساعدت عزیزان اداره کل
بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان مازندران
نهایت تشکر و قدرهانی را داشته باشم که زمینه‌ی ارائه‌ی آثار
ایشارگران هشت سال دفاع مقدس برای این ناچیز فراهم نمودند.

منصور هرنجی

۱۳۸۹/۰۳/۲۵